بسم الله الرحمن الرحیم

راهکارها و سیاست‌های کلی تامین مالی حوزه‌های علمیه بر اساس مبانی فقهی

مسعود داودی‌پور[۱]، محسن داودآبادی فراهانی[۲]، محمد زارعی محمودآبادی[۳]، مهدی رعایایی[۴].

چکیده

حوزه‌های علمیه پایگاه شناخت، تعلیم و تربیت عالمان و تولید علوم دینی و ترویج و تبلیغ و دفاع از دین است و نقش حیاتی در تربیت نیروی انسانی متخصص دینی و حفظ و گسترش معارف اسلامی دارد. تأمین مالی پایدار و شفاف برای این نهاد یک ضرورت راهبردی است. این پژوهش با رویکرد اسلامی و با روش فقهی- تحلیلی به این مساله می پردازد.

نسخه پیش از انتشار (ناویرایسته)

[۱] نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشگر اندیشکده قصد، قم، ایران. mdavoodipoor@rihu.ac.ir.

Masuod Davoodipur, PhD student in Islamic Economics, Hawza and University Research Center and researcher at Qasd Institute, Qom, Iran / https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۱-۵۰۴۹-۸۹۸۴

[۲] استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و پژوهشگر اندیشکده قصد، قم، ایران. davoodabadi@qassd.ir

Mohsen Davoudabadi Farahani: Associate Professor at the Qom Seminary and researcher at Qasd Institute, Qom, Iran / https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۶۷۲۰-۸۰۰۴

[۳] استادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران. zarei@meybod.ac.ir

Mohammad Zarei Mahmoudabadi, Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran/ https://orcid.org/۰۰۰۹-۰۰۰۹-۳۸۶۶-۸۷۰۴

[۴] استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران. m.roayaei@qom.ac.ir

Assistant Professor, Islamic Economics Department, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Qom University / https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۰۸۶۶-۳۰۰۷

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش و بر اساس تحلیل فقهی، راهکارهای کلی تامین منابع به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ الف: منابع حکومتی وابسته به منصب امامت: شامل خمس، زکات، مالیات و انفال که ذیل عنوان بیت‌المال قرار دارند. ب: منابع مردمی: شامل تبرعات و وقف.

همچنین بررسی های این پژوهش نشان می دهد سیاستهای کلی در تامین مالی حوزه علمیه توسط حکومت شامل موارد ضرورت و حدود مداخله حکومت، تقدم اهم بر مهم، نقش تکمیلی دولت در برابر منابع مردمی، شفافیت و تفکیک منابع است. همچنین الزامات و نکات مهم در تأمین مالی حوزه‌های علمیه توسط مردم شامل مواردی چون تکیه بر پشتوانه‌های فقهی و قرآنی مشارکت مردمی نظیر آیه «تعاونوا علی البرّ و التقوی» و قاعده «اعانة علی البر» و تاکید بر وقف به‌عنوان رکن پایدار تامین مالی، واجب کفایی بودن تأمین مالی حوزه، مردمی‌سازی و جلوگیری از تمرکزگرایی و ارتقای فرهنگ انفاق و اعتماد اجتماعی است.

کلمات کلیدی

سیاست تامین مالی، حوزه علمیه، مبانی فقهی، اقتصاد علم، سیاست مالی.

مقدمه

حوزه‌های علمیه از دیرباز در تاریخ تشیع، پایگاه تعلیم و تربیت عالمان، تولید علوم دینی و ترویج دین بوده‌اند. با توجه به نقش آن‌ها در تربیت نیروی متخصص دینی و گسترش معارف اسلامی، تأمین مالی پایدار و شفاف یک ضرورت راهبردی است. وابستگی به منابع محدود و غیرنظام‌مند در سال‌های اخیر، چالش‌هایی در مدیریت و استقلال حوزه‌ها ایجاد کرده و نبود الگوی مشخص، موجب ناهماهنگی در تخصیص منابع و کاهش بهره‌وری شده است. ازاین‌رو، طراحی الگویی کارآمد، مبتنی بر اصول اسلامی، عدالت اقتصادی و پایداری مالی ضروری است.

نسخه پیش از انتشار (ناویرا اندیشه)

مطالعات نشان می‌دهد ضعف در فرهنگ تأمین مالی مردمی حوزه‌های علمیه (با هدف حفظ مرجعیت متکثر عالمان دین و حرکت علمی تربیت‌محور)، یکی از مهمترین مسائل است که ناشی از تمرکزگرایی در تأمین مالی حوزه می‌باشد. این تمرکزگرایی یا از ورود حکومت از طریق بیت‌المال است، یا از دولت‌گرایی در تجمیع منابع مردمی (نظیر مرکز مدیریت حوزه یا سازمان اوقاف). فرضیه اولیه آن است که استقلال حقیقی حوزه، استقلال مرجعیت متکثر عالمان دین از حکومت یا سازمان‌های متمرکز است. بر اساس مبانی فقهی، ساختار موجود منطبق با قواعد فقهی نیست و پیشنهاد اصلی، تأمین مالی مردمی با تکیه بر ابزار وقف است که استقلال عالم دین را هم از حکومت و هم از مردم تأمین می‌کند.

بر اساس تحلیل فقهی، شش راهکار کلی برای تأمین مالی حوزه علمیه شناسایی شده که شامل: خمس، زکات، تبرعات مردمی، وقف، مالیات و انفال است. این منابع به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱. منابع حکومتی وابسته به منصب امامت: شامل خمس، زکات، مالیات و انفال که ذیل عنوان بیت‌المال قرار دارند. استفاده از این منابع در تأمین مالی حوزه، وابسته به تشخیص حاکم اسلامی است. این منابع ذاتاً برای اداره کل جامعه‌اند و می‌توان از آن‌ها برای حوزه استفاده کرد.
۲. منابع مردمی: شامل تبرعات و وقف. تبرعات مردمی به‌عنوان ابزاری برای کلیه امور خیر و عام المنفعه در جامعه اسلامی مورد استفاده بوده است. وقف نیز ابزاری پایدار، مستقل و بعضا جهت دار و مدیریت شده در تأمین مالی امور خیر بوده است.

الگوی فقهی تأمین مالی حوزه علمیه، آن را واجب کفایی و دارای رجحان شرعی دانسته و نقش مردم و حاکم اسلامی را مؤثر می‌داند. منابع حکومتی (نظیر خمس و زکات) با تشخیص ولی‌فقیه و مبتنی بر اولویت‌های اجتماعی قابل مصرف در حوزه هستند، اما تبرعات مردمی به‌ویژه وقف، ستون اصلی تأمین مالی و به دلیل حفظ استقلال حوزه، ارجح از دیگر اشکال مشارکت مردمی است. ورود حکومت تنها در صورت ناکافی بودن منابع مردمی و با رعایت اولویت‌های اهم و مهم موجه است.

نسخه پیش از انتشار آنلاین (در آماده)

بر اساس نظام الهیاتی مبتنی بر جمع میان دو اصل «عدم رقیب‌تراشی برای عالم شاخص متصدی امور حوزوی در نظام استاد-شاگردی توأم با تعلیم و تربیت» و «حضور خردمقیاس و متکثر مردم در تأمین مالی حوزه»، بازخوانی احکام و شرایط وقف، راهگشای اصلی حل مشکلات تأمین مالی مردمی است. در این چارچوب، وقف هسته مرکزی حل مسئله بوده و تعاون بر بِرّ نقش تکمیل‌کننده را ایفا می‌کند.

۱- پیشینه تحقیق:

بررسی ها نشان می دهد تاکنون پژوهشی با این عنوان انجام نشده است اما با موضوعات مرتبط و نزدیک به عنوان این پژوهش می توان مواردی را ذکر کرد:

نزدیک‌ترین کتابی که تاکنون با موضوعی مرتبط با پژوهش حاضر نگاشته شده، کتابی بسیار موجز است که با عنوان *نظام اقتصادی سازمان روحانیت* و با قلم وحید نجفی(۱۳۹۷) . در این کتاب با به کارگیری دو روش عمده مطالعهٔ کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با اساتید حوزهٔ علمیه نگارنده تلاش کرده‌است ضمن طرح ضرورت طراحی نظام اقتصادی مطلوب برای حوزهٔ علمیه، سیری تاریخی در تأمین مالی حوزه‌های علمیه تا دوران معاصر را بررسی کند. همچنین نویسنده تلاش کرده است ضمن بررسی وضعیت فعلی نظام اقتصادی حوزه، راهکارهایی را برای بهبود این نظام ارائه کند.

علی اکبر زهره کاشانی(۱۳۹۶) در کتاب تاریخ ۱۲۰۰ سالهٔ حوزه علمیه قم که توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده است، به تحولات مختلف در تاریخ حوزهٔ علمیه پرداخته است. این کتاب تاریخ حوزه علمیّه قم را با تأکید بر موضوع آموزش و پژوهش، در محورهای ذیل ترسیم می‌کند: ۱. ارائه توصیفی کامل و یکپارچه از تاریخ آن، از تأسیس تا کنون، ۲. ارائه تحلیلی از وضعیت حوزه در هر مرحله و بیان نقاط قوّت و ضعف آن و ۳ . ارائه تحلیلی از علل و عوامل مؤثر در شکوفایی یا رکود حوزه در طول تاریخ آن. در بخش‌هایی از این کتاب، به تحولات اقتصادی در حوزهٔ علمیه نیز پرداخته شده است.

مرحوم آیت‌الله شاه آبادی در کتاب شذرات المعارف(چاپ ۱۳۸۰) و در رسالهٔ شرکت مخمس، بنیانی اقتصادی را برای ادارهٔ ناحیه مقدسه اسلام معرفی کرده است و خود ایشان نیز تلاش کردند این بنیان را در محل زندگی خود و با مشارکت مؤمنین ایجاد

نسخه پیش از انتشار (ویراسته)

کنند. الگوی شرکت مخمس، از معدود الگوهای مستقلی است که توسط سازمان روحانیت و برای ادارهٔ امور شیعه طراحی شده است.

نوشتارهای متعددی توسط معاندین نظام روحانیت و نظام جمهوری اسلامی نیز جهت تخریب نظام اقتصاد روحانیت نگاشته شده است؛ از جمله مهدی خلجی(۱۳۸۹) روحانی سابق و ضدانقلاب فعلی در کتاب خود با عنوان «نظم نوین روحانیت در ایران» به تحولات اقتصادی سازمان روحانیت پس از انقلاب اسلامی پرداخته است و نظم نوین ساختار اقتصادی در نهاد روحانیت را بررسی کرده است. و علی رغم میلش، به خدمات انقلاب اسلامی به نهاد روحانیت در جنبه‌های اقتصادی پرداخته است.

حسن آزاد(۱۳۹۶) نیز در مقاله خود با عنوان «بورژوازی اسلامی و اقتصاد سیاسی روحانیت شیعه» تلاش کرده است با استفاده از روش ماتریالیسم دیالکتیک، تحولات اقتصادی در روحانیت شیعه را بررسی کند.

شاهرخ اخوی (۱۹۸۰) به بررسی روابط روحانیت و دولت در دوران پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی می‌پردازد. او به‌دنبال تأثیر تحولات اجتماعی این دوران بر سازمان روحانیت است. در ضمن این کتاب به تحولات اقتصادی در سازمان روحانیت و تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی بر روحانیت در این دوران نیز پرداخته شده است.

بهروز معظمی(۲۰۱۳) در کتاب دولت، مذهب و انقلاب در ایران از ۱۷۹۶ تا زمان حاضر به تحولات تاریخی دوران قاجار که با مذهب و روحانیت در ارتباط بوده است پرداخته است. در فصل دوم از این کتاب به سازمان‌دهی علمای شیعه در این دوران پرداخته شده است. در این کتاب البته با نگرشی مخالف با نهاد روحانیت، به تحولات اقتصادی سازمان روحانیت نیز پرداخته شده است.

اکلاند و همکارانش(۲۰۱۲) در مقالهٔ اقتصاد سیاسی کلیسای قرون وسطی، به بررسی تاریخی وضعیت مسیحیت در اروپای غربی در قرون وسطی و ترابط مذهب و سیاست می‌پردازد. در این کتاب، کلیسای کاتولیک دوران وسطی به مثابه یک واحد اقتصادی و سیاسی با کارکردهای مشخص در نظر گرفته شده است.

نسخه پیش از انتشار (نوویز اسلشه)

یاناکون و بز(۲۰۱۰) در مقاله «تأمین مالی ایمان: به سوی نظریه‌ای در باب تأمین مالی مذهبی» به بیان فعالیت‌های مالی نهادهای مذهبی می‌پردازد و در نهایت به دنبال ارائهٔ نظریه‌ای عمومی برای تأمین مالی این نهادها است.

در حوزهٔ اقتصاد علم و در تأمین مالی نهادهای علمی و آموزشی نیز مطالعات متعددی در دنیای علم صورت پذیرفته است. به عنوان مثال، ولانین[۱] (۲۰۰۰) در مقالهٔ خود با عنوان «مروری بر تأمین مالی آموزش عالی در آمریکا» به بررسی منابع مختلف درآمدی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در این کشور و سهم نسبی آن‌ها می‌پردازد. او در این مقاله نشان می‌دهد که ایالات متحده در میان کشورهای توسعه‌یافته، بیشتر بر پرداخت‌های خانوارها و دیگر حامیان خصوصی و کمتر به حمایت‌های دولتی وابسته است. براساس اطلاعات این مقاله، دریافت‌های حاصل از شهریه دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی تنها ۱۹ درصد از درآمد این دانشگاه‌ها را شکل می‌دهد درحالی‌که مؤسسات آموزش عالی خصوصی ۴۲درصد از درآمد خود را از این طریق کسب می‌کنند. دولت ایالتی[۲] ۳۶درصد از بودجهٔ دانشگاه‌های دولتی و ۲درصد از بودجهٔ دانشگاه‌های غیردولتی را تأمین می‌کند. دولت‌های محلی ۴درصد از بودجهٔ دانشگاه‌های دولتی و ۱درصد از بودجهٔ مؤسسات آموزش عالی غیردولتی را تأمین می‌کنند. دولت فدرال نیز ۱۱درصد از بودجهٔ دانشگاه‌های دولتی و ۱۴درصد از بودجهٔ مؤسسات غیردولتی را تأمین می‌کند. سهم منابع خصوصی از درآمدهای دانشگاه‌های دولتی تنها ۴درصد و در مؤسسات غیردولتی حدود ۱۰درصد است. ۵درصد از درآمد مؤسسات آموزش عالی خصوصی و تنها ۱درصد از بودجهٔ دانشگاه‌های دولتی از محل عایدی دارایی‌ها[۳] به دست می‌آید. درآمد حاصل از فروش کالاها و خدمات برای دانشگاه‌های دولتی و نیز خصوصی ۲۲درصد است.

مایکل و کرتویکس[۴] (۲۰۰۵) مجموعهٔ مقالاتی را دربارهٔ بررسی وضعیت تأمین مالی آموزش عالی در کشورهای مختلف شامل آمریکا، کانادا، اتریش، آفریقای جنوبی، مکزیک، اسپانیا، هندوستان و تایلند گردآوری کرده‌اند و در آن‌ها به بررسی سابقهٔ تأمین

---

۱. Wolanin
۲. State government
۳. endowment income
۴. Michael & Kretovics

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

مالی آموزش عالی، منابع درآمدی دانشگاه‌ها، سهم بودجهٔ عمومی در منابع دانشگاه‌ها و همچنین سازوکارهای جدید برای تأمین مالی مخارج دانشگاه‌ها در این کشورها می‌پردازد.

برادا، بیانکوفسکی و کوبونیوا[1] (۲۰۱۵) به بررسی چشم‌اندازهای بین‌المللی در تأمین مالی آموزش عالی می‌پردازند. مسائلی چون رقابت برای کسب بودجهٔ عمومی بیشتر در اروپا، بازسازی نظام آموزش عالی در ژاپن، تأمین مالی دانشگاه‌ها و گرایش به‌خصوصی‌سازی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری آموزش عالی به عوان رویکردی جدید برای تأمین مالی خصوصی آموزش عالی و نیز تجربهٔ همکاری دانشگاه با صنعت و کسب‌وکار در پرتغال از جملهٔ مهمترین مقالات این مجموعه به شمار می‌رود.

رسته‌مقدم و نادری (۱۳۹۴) در «الگوهای تامین منابع مالی و استخراج آموزه‌هایی برای نظام آموزش عالی ایران» به‌دنبال شناسایی مهم‌ترین الگوهای تأمین منابع مالی آموزش عالی در مقیاس جهانی هستند. آن‌ها با مرور مطالعات و تجربیات کشورهای مختلف، الگوهای متفاوت و متنوعی را برای این امر شناسایی کرده‌اند. درنهایت نویسندگان این مقاله بر این باورند که در رشته‌هایی که دارای تقاضای اجتماعی و نرخ اشتغال بالا هستند، الگوی تأمین مالی بازاری و شبه‌بازاری موفق‌تر است و در سایر رشته‌ها که بخش غیردولتی تمایل به سرمایه‌گذاری در آن ندارد، بهره‌گیری از الگوی دولتی در اولویت قرار دارد.

قارون (۱۳۷۵) به بررسی روش‌های تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها در جهان می‌پردازد. او علاوه‌بر شهریه‌ها و بودجهٔ عمومی، به معافیت‌های مالیاتی، پرداخت‌های انتقالی بخش خصوصی، درآمدهای جاری از محل خدمات دانشگاه‌ها ازجمله خوابگاه‌ها، رستوران، فروش لوازم تحریر و اداری و کتاب، قراردادهای پژوهشی و برگزاری دوره‌های آموزشی، قراردادهای همکاری با صنایع و سایر بنگاه‌های تولیدی و خدماتی و... اشاره می‌کند.

نسخه پیش از انتشار (نا ویراسته)

---

۱. Brada & Bienkowski & Kuboniwa

۲- مؤلفه‌های فقهی منابع حکومتی و الزامات آن

۲-۱- مفهوم بیت‌المال و مصادیق آن

بیت‌المال نهادی حقوقی برای اداره و تخصیص اموال عمومی مسلمانان محسوب می‌شود. ازاین‌رو، بیت‌المال را می‌توان چنین تعریف کرد: «مجموعه اموال و منابع مالی که مالکیت آن به عموم مسلمانان یا به منصب امامت و حکومت اسلامی تعلق دارد و اداره، حفظ و هزینه‌کرد آن بر اساس احکام شرعی و با رعایت مصالح عمومی جامعه اسلامی صورت می‌گیرد.» بر این اساس، معیار تشخیص بیت‌المال، عمومی بودن مالکیت یا عمومی بودن منفعت و قرار گرفتن آن تحت ولایت و مدیریت حاکم مشروع اسلامی است.(نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، صص. ۱۵۳—۱۶۱) بر پایه این قاعده، منابع بیت‌المال در فقه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: نخست، منابعی که مصرف ویژه‌ای از سوی شارع برای آنها تعیین نشده و در اختیار حاکم اسلامی برای تأمین مصالح عمومی قرار دارند؛ مانند خراج، مقاسمه، جزیه، سهم «سبیل‌الله» از زکات و سایر اموال عمومی. دوم، منابعی که دارای مصرف شرعی مشخص هستند؛ مانند سهم سادات از خمس و مصارف معین زکات. همچنین، انفال و سهم امام(ع) نیز از اموالی هستند که به اعتبار منصب امامت در اختیار ولیّ امر قرار گرفته و بر اساس مصلحت جامعه اسلامی اداره و هزینه می‌شوند.(خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، صص. ۶۰—۷۳) بنابراین، بیت‌المال مفهومی فراتر از خزانه دولت بوده و هر مالی که مطابق ضابطه یادشده دارای مالکیت عمومی یا ولایت عمومی باشد، از مصادیق بیت‌المال به شمار می‌آید.

بر این اساس می‌توان آن را به سه بخش اموال مربوط به عموم مسلمانان، اموال مربوط به منصب امامت (اموال دولتی) و اموال مربوط به گروه‌های خاصی از مسلمانان تقسیم نمود. در ادامه به اموالی که در بخش‌های مختلف بیت‌المال قرار می‌گیرند، پرداخته می‌شود:

۲-۱-۱- اموال عمومی

اموال عمومی در فقه امامیه، اموال و منابع متعلق به همه مسلمانان است که در مصالح عمومی هزینه می‌شود. به دلیل عدم شکل‌گیری دولت شیعی در طول تاریخ فقه، فقها کمتر به مسائل حکومتی پرداخته‌اند؛ ازاین‌رو مباحث اموال عمومی دولت محور، به‌تفصیل مطرح نشده است. با این حال بر اساس مصادیق موردبحث (مانند زمین‌های مفتوح‌عنوة، خراج، مقاسمه، جزیه، سهم سبیل‌الله از

نسخه پیش از انتشار (ناویراستاری)

زکات، و موقوفات عام) دو ملاک برای اموال عمومی قابل استنباط است: ۱. مالکیت نوعی (عدم امکان ملکیت خاص)؛ ۲. مصرف منحصر در مصلحت عام (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ٤٠٢).

هرگونه عین منقول (مانند خودرو) یا غیرمنقول (مانند زمین، ساختمان، بزرگراه، پل، بازار) که از بیت‌المال تأمین شده باشد، جزو اموال عمومی بیت‌المال است. عمده دارایی‌های عمومی در منابع فقهی، اراضی مفتوح‌عنوة است؛ زمین‌هایی که به‌زور و از کفار گرفته شده و داخل سرزمین اسلام گردیده است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۱۹). از نظر فقیهان، این زمین‌ها بنا بر کیفیت فتح، به اموال عمومی بیت‌المال تعلق می‌گیرند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۲۱۶). زمین‌های آبادی که با لشکرکشی به تصرف درآمده، مربوط به بیت‌المال مسلمانان است؛ اما زمین‌های آباد طبیعی (مانند جنگل‌ها) و زمین‌های موات، مربوط به بیت‌المال امام (ع) می‌شود.

۲-۱-۱-۱- درآمدها (مالیات‌ها)

در نظام اقتصادی اسلام سه دسته مالیات وجود دارد: مالیات‌های ثابت (مانند زکات که با تحقق نصاب واجب می‌شود؛ رضایی دوانی، ۱۳۸۹، ص ۷۲)، مالیات‌های متغیر (مانند خراج و جزیه که میزان و زمان آن به اختیار حاکم شرع است؛ رضایی دوانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸)، و مالیات‌های حکومتی (که حاکم شرع برای تأمین مصالح عمومی مسلمانان وضع می‌کند؛ میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۹). در ادامه به مالیات‌های متعلق به اموال عمومی پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱-۱-۱- خراج

خراج مالیاتی است که تنها بر زمین تعلق گرفته و در مصالح عمومی مسلمانان مصرف می‌شود؛ ازاین‌رو جزو اموال بیت‌المال عمومی است (صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۵۳۲). به گفتهٔ محقق ثانی، بیت‌المال شامل خراج زمین‌های مفتوح‌عنوة و سهم سبیل‌الله از زکات است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۲). خراج در زمان حضور و قدرت امام (ع) بدون خلاف، به اختیار ایشان در مصالح عمومی (مانند حفظ مرزها، کمک به مجاهدان، ساخت پل، امور شرعی) مصرف می‌شود (محقق حلی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۲۲). در زمان غیبت نیز مصرف خراج به دست فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان نائب امام است.

نسخه پیش از انتشار (ناویز استاد)

۲-۱-۱-۱-۲- جزیه

جزیه، مالیات دریافتی از اهل ذمّه است که حاکم شرع بر اساس قرارداد، از اهل کتاب در ازای اقامت آنان در سرزمین اسلامی و مصونیت از تعرّض دیگران به آنان، دریافت می‌کند. مشروعیت گرفتن جزیه اختصاصی به زمان حضور معصوم (علیه‌السلام) ندارد؛ زیرا ادله دریافت جزیه اطلاق دارند و دلیل خاصی بر تقیید به زمان حضور نیست (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۹۲). بر اساس گروهی از روایات، جزیه مربوط به بخش عمومی بیت‌المال می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۱۷).

۲-۱-۱-۱-۳- درآمدهای موقوفات عام

فقیهان وقف را با توجه به «موقوف علیهم» به دو نوع وقف عام و خاص تقسیم نموده‌اند. موقوفات عام پس از وقف از مالکیت خصوصی خارج‌شده و در حوزه مالکیت عمومی قرار می‌گیرند؛ ازاین‌رو همه منافع آن‌ها در بخش اموال عمومی بیت‌المال قرار می‌گیرد. در بیان فقیهان، متولی موقوفات عام حاکم شرع است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۷).

۲-۱-۱-۱-٤- انفاق‌های عمومی

انفاق در اصطلاح فقهی به معنای خرج نمودن مال است. مصرف مال، گاهی واجب مانند نفقه عیال و گاهی مستحب مانند کمک به فقیران است (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۷، ص ۲۰۸). بخشی از انفاق‌های مستحب از طرف مؤمنان به‌صورت عمومی و برای بهره‌مندی قشرهای مختلف صورت می‌پذیرد؛ این انفاق‌ها از اموال عمومی و بدین واسطه زیر مجموعه اموال عمومی بیت‌المال می‌شوند و متولی بیت‌المال در مصالح عمومی و نیازمندی‌های عمومی، آن‌ها را مصرف می‌کند.

۲-۱-۲- اموال اختصاصی به منصب امامت

۲-۱-۲-۱- انفال

همه اموالی که مالک خصوصی و عمومی ندارند، از انفال بوده و به بیت‌المال امام (ع) تعلق دارد؛ ذکر مصادیق در فقه تنها نمونه‌ای است و انحصاری نیست. مصادیق مورداتفاق (با ادعای عدم خلاف از سوی صاحب ریاض و شیخ انصاری): ۱. زمین‌های گرفته‌شده از کفار بدون جنگ؛ ۲. زمین‌های موات بدون آبادکننده؛ ۳. سر کوه‌ها، گیاهان، درختان، سنگ‌ها، وادی‌ها و آجام؛ ۴.

نسخه پیش از انتشار (نامویرایش شده)

اموال اختصاصی شاهان؛ ۵. غنیمت ممتاز؛ ۶. میراث کسی که وارث ندارد. مصادیق اختلافی: ساحل دریاها، معادن، و غنیمت‌هایی که رزمندگان بدون اذن امام (ع) به دست آورده‌اند. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۱).

۲-۱-۲-۲- خمس

بر اساس آیه ٤١ سوره انفال[1]، خمس، به منصب امامت تعلق دارد (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۹، ص ۵۳۷). با توجه به ضرورت عقلی تشکیل حکومت و جانشینی فقیه از امام معصوم (ع) در غیبت، فقیه نیز حق دارد از خمس به‌عنوان سرمایه حکومت اسلامی برای اداره امور دینی و اجتماعی استفاده کند (حسینی حائری، ۲۰۰۷م، ص ۲۱۰). در وجوب خمس و تعلق آن به امام میان فقیهان امامیه تردیدی نیست؛ اختلاف فقط در مصادیق آن است. بر اساس نظر مشهور، مهمترین مصادیق خمس عبارتند از: غنائم جنگی، معادن، گنج، مال به‌دست‌آمده با غواصی، منفعت کسب، زمین خریداری‌شده توسط کافر ذمی از مسلمان، و مال حلال مخلوط با حرام. (شیخ طوسی، ١٤٠٠ق، ج١، ص١٩٦)

۲-۱-۲-۳- مجهول‌المالک

مالی که هویت مالک آن معلوم نیست و رساندن آن به صاحب یا وارثانش ممکن نیست را مجهول‌المالک گویند (میرزای قمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۵۰). در مالی که مالکش معلوم نیست، جستجوی مالک در ابتدا واجب است. در صورتی که بعد از تلاش فراوان مالک یافت نشد، به جهت آنکه تصرف در مجهول‌المالک، نوعی اتلاف است و اتلاف مال غیر، از مصادیق ظلم بوده و حکم حرمت و عدم جواز پیدا می‌کند؛ پس تملک و تصرف شخصی جایز نیست؛ از طرف دیگر طبق قاعده کلی که هر مالی که مالک شخصی یا عمومی نداشت متعلق به امام (علیه‌السلام) است، پس مجهول‌المالک به اموال بیت‌المال امام ملحق می‌شود و تمام حق تصرف آن در اختیار امام (علیه‌السلام) است.

---

[1] «**وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ...**»؛ «و بدانید هر چیزی را که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی] به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک پنجم آن برای خدا و...»

نسخه پیش از انتشار (ناویرایشده)

۲-۱-۳- اموال اختصاصی به گروه‌های خاص

زکات متعلق به جایگاه امامت بوده که برای گروه خاصی از مسلمانان مصرف می‌شود. زکات به نُه چیز تعلّق می گیرد: شتر، گاو، گوسفند (انعام ثلاث)؛ طلا، نقره (نقدین)؛ جو، گندم، خرما و کشمش (غلّات اربع) (علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۶). مشهور فقیهان با استناد به آیه شریفه «إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكِينِ وَ الْعامِلِينَ عَلَيها وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمِينَ وَ فی سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّه» (توبه: ۶۰)، مستحقان زکات را هشت دسته معرفی می کنند. از قرآن کریم، برخی روایات و سیره معصومان (علیهم‌السلام) دانسته می‌شود که زکات از مصادیق بیت‌المال است.

۲-۲- امور حسبه و ترتب ورود حکومت در اعمال علمی و فرهنگی اقامه دین

براساس آموزه‌های نظریه حسبه در چارچوب اقتصاد اسلامی، مداخله دولت در عرصه اقتصادی تنها زمانی از مشروعیت شرعی برخوردار می‌شود که جامعه نسبت به انجام آن وظیفه اقتصادی کوتاهی کرده یا آن را مورد غفلت قرار داده باشد. به بیان دقیق‌تر، تکلیف دولت در این زمینه ناشی از ناتوانی یا عدم تمایل جامعه در انجام اموری است که از دیدگاه شریعت اسلامی دارای اهمیت بوده و ترک آن‌ها مورد رضایت شارع مقدس نیست. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۹۷).

نکته اساسی در قاعده ترتب مداخلات اقتصادی دولت این است که ناتوانی بخش مردمی (خصوصی و غیرانتفاعی) امری تشکیکی و دارای درجات متفاوت است. در صورت کفایت مداخله حداقلی، تصدی گری کامل دولت در آموزش لازم نیست. بر مبنای تحلیل حسبه‌ای از نقش دولت در اقتصاد اسلامی، هر مداخله دولت ماهیتاً ضرورتی دارد و مشمول قاعده «الضرورات تقدر بقدرها» (ضرورت‌ها به اندازه خود سنجیده می‌شوند) است که عقلاً و شرعاً معتبر می‌باشد (شهید اول، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۳). بر این اساس، اگر مصرف منابع دولتی از باب امور حسبه و ضرورت باشد، صرف منابع دولتی برای حوزه علمیه نیز باید به اندازه همان ضرورت باشد.

نسخه پیش از انتشار (نسخه نویس)

مستند اصلی این قاعده عقل است. (عراقی، بی تا، ص ۸۵) درواقع از یک سو، عقل در مواجهه با شرایط ضروری حکم به جواز ارتکاب فعل به منظور تحقق مصلحت اهمّ می‌نماید و از سوی دیگر، در موارد تردید در جواز چنین اقداماتی، عقل بر لزوم پایبندی به حداقل یقینی (قدر متیقن) تأکید دارد، به‌گونه‌ای که با زوال علت ضرورت، می‌بایست به حکم اولیه بازگشت. براین‌اساس، دامنه شمول حکم بنا بر مصلحت صرفاً محدود به میزان ضرورت و در حد رفع محذورات بوده و هرگونه تجاوز از این حد مجاز نخواهد بود.

۳-۲- - قاعده اهم و مهم در استفاده از منابع حکومتی

قاعده اهم و مهم به معنای تقدم حکم مهم‌تر در صورت تزاحم دو حکم در مقام عمل است (علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۲۱). هرگاه بین دو واجب تزاحم باشد، در مقام رفع تزاحم، اگر یکی اهمیت بیشتری داشته باشد، باید به اهم عمل شود. مثلاً در نجات دو فرد غرق‌شده که فقط می‌توان یک نفر را نجات داد، فرد دانشمند (اهم) بر فرد معمولی (مهم) مقدم است (جمعی از محققان، ۱۳۸۹، ص ۶۱۳).

تقدیم اهم بر مهم در سخنان ائمه اطهار علیهم‌السلام مورد اشاره قرار گرفته است و آن بزرگواران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به رعایت اولویت‌ها و مرجحات توصیه می‌کردند که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ✓ من اشتغل بغیرالمهم ضیع الاهم (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱ ص ۶۲۶) ؛ هر کسی به امور غیرمهم مشغول گردد، امر اهم را ضایع کرده است.
- ✓ ان رایک لا یتسع لکل شی ء ففرغه للمهم(همان ص ٦٠٦) ؛ فکر تو گنجایش هر چیز را ندارد، پس آن را برای آنچه «مهم» است، فارغ گردان.

علاوه بر تأکید روایات ائمه (ع)، عقل و سیره عقلا نیز قاعده «تقدم اهم بر مهم» را می‌پذیرند. این قاعده در کنار قواعدی مانند «لا ضرر» و «نفی حرج»، از مهمترین قواعد عقلی در فقه است (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۲۷). قاعده اهم و مهم از مستقلات

نسخه پیش از انتشار ارنویز استناد

عقلی است (علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۲۱) که در فرض تزاحم، به اخذ اهم و ترک مهم حکم می‌کند (خمینی، ۱۴۴۳، ص ۱۳۰). مثلاً در تزاحم بین حفظ اصل اسلام با واجبی دیگر، یا حفظ جان و مال شخصی، باید اصل اسلام و جان انسان را مقدم داشت و این حکم به عقل نسبت داده می‌شود.

مبنای دیگر حجیت قاعده اهم و مهم، سیره و بنای عقلاست که شرع آن را امضا کرده است. عقلا بدون توجه به نژاد، مذهب و شرایط فرهنگی، در تزاحمات، اهم را بر مهم مقدم می‌کنند. به نظر برخی اصولیان از جمله امام خمینی (ره)، حتی بنای احتمالی عقلا در آینده نیز حجت است و می‌توان حکم شرعی را استخراج نمود (داودآبادی، ۱۳۹۹، ص ۹۶). همچنین عرف، افزون بر تشخیص موضوعات، می‌تواند بنایی ایجاد کند که با امضای شرع، منشأ کشف حکم شرعی شود. به این تقدم اهم بر مهم در مقام عرضه دو حکم متزاحم بر عرف، توفیق عرفی گویند (صفار، ۱۴۲۹ق، ص ۲۰۴).

٤-۲- الزامات ورود حکومت برای تامین مالی حوزه علمیه

بر اساس مباحث پیش‌گفته، بیت‌المال عنوان عام «منابع حکومتی وابسته به منصب امامت» شامل خمس، زکات، مالیات و انفال است. کارویژهٔ ذاتی این منابع، ادارهٔ کل جامعه است و بهره‌گیری از آن‌ها برای حوزه، مقید به تشخیص ولی‌امر بر پایهٔ قاعده اهم و مهم و «شرایط زمان و مکان» می‌باشد. ازاین‌رو مصرف حوزوی بیت‌المال، «حکم ثانوی مشروط» و ناظر به اولویت‌های اجتماعی است، نه حکم اولی دائماً جاری.

بر مبنای امور حسبه، موضوع مداخله حکومت اسلامی در اعمال علمی-فرهنگی اقامه دین، هر امری است که «ترک آن مرضی شارع نیست» و «جامعه در انجام آن عاجز یا بی‌میل است». ماهیت مداخله، ضرورتی و درجه‌پذیر (تشکیکی) است؛ بنابراین اصل بر کفایت مداخله حداقلی و نفی تصدی کامل است، تا زمانی که ضرورت با درجات خفیف‌تر رفع شود. قاعده حاکم «الضرورات تُقَدَّرُ بِقَدَرِها» با پشتوانه عقل و قدر متیقن است؛ به محض زوال علت ضرورت، رجوع به حکم اولی لازم است. (خمینی، ۱۳۷۹، ج۲، ص٤٩٧)

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

قاعدهٔ اهم و مهم در استفاده از منابع حکومتی حکم می‌کند در فرض تزاحم واجبات، اهم مقدم است؛ این قاعده متکی به نصوص روایی ارشاد به اولویت‌بندی («من اشتغل بغیر المهم ضیّع الأهم» و «فرّغه للمهم»)، حکم مستقل عقل در تقدیم حفظ اصل اسلام و نفوس بر سایر مصالح، و سیرهٔ عقلاء با امضای شارع است. نتیجه آنکه در تخصیص بیت‌المال، حفظ پایه‌های اقامهٔ دین و نظام علمی آن (حوزه)، در صورت تزاحم با مصارف فروتر، می‌تواند اهم تشخیص داده شود؛ اما میزان و قلمرو آن همچنان مقید به «قدر ضرورت» است. (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۵۳۶و۵۳۷)

بنابراین متعلَّق مشروع مداخله در این بخش، رفع ترکِ غیرمرضی شارع در عرصهٔ علم و فرهنگِ اقامهٔ دین است. ابزار مشروع برای تحقق این امر، بهره‌گیری از بیت‌المال محسوب می‌شود. این مداخله تحت قیود شرعی شامل حسبه، ضرورت مقیّد و تقدیم اهمّ قرار دارد. نهایتاً داوری و تشخیص نهایی دربارهٔ اجرای این مداخله بر عهدهٔ حاکم اسلامی است که با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان و رعایت قدر متیقّن عمل می‌کند.

مبانی اقتصادی ـ اسلامی سنجه‌های اولویت مداخلهٔ دولت و تبیین چرایی و چگونگی آن چنین تفسیر می‌شود:

در بُعد چرایی مداخله دولت، کالاهای عمومی دینی و معرفتی (نظیر فقاهت، افتاء، قضا، تبلیغ، آموزش) دارای آثار خارجی مثبت گسترده و در معرض شکست بازار[1] (بهره‌برداری رایگان) هستند. بر اساس اصل حسبه، در صورت ناتوانی یا بی‌انگیزگی مردم و نهادهای غیرانتفاعی، دولت اسلامی مجاز به جبران این شکست است. همچنین ریسک فروپاشی کارکردهای اقامه دین مطرح است؛ ترک تفقّه و تربیت علمی مورد رضایت شارع نیست، ازاین‌رو در تزاحم مصارف، استمرار تفقّه می‌تواند در اولویت (اهم) باشد. افزون بر این، ضرورت تضمین عدالت در دسترسی به منابع وجود دارد؛ زیرا در غیاب تدبیر حکومتی حداقلی، توزیع منابع با خطر تمرکز

[1] شکست بازار (Market Failure) یکی از اصطلاحات اقتصادی به معنای نشان دهنده موقعیت و شرایطی در بازار است که کمیت محصول مورد تقاضای مصرف کنندگان با مقدار تأمین شده از طرف تأمین کنندگان برابری ندارد.

نسخه پیش از انتشار (ویراسته)

و ناکارایی همراه می‌شود. بنابراین مداخلهٔ ناظرانه و تنظیمی دولت، مشروط به محدود ماندن در حد ضرورت، می‌تواند عدالت توزیعی و کارایی را همزمان پشتیبانی کند.

دوم، بُعد چگونگی مداخلهٔ دولت بر مبنای حسبه و قاعدهٔ اهم/مهم سامان می‌یابد. اصل بنابر آن چه در رابطه با امور حسبه گذشت، بر حداقل‌مداخله و نقش مکمل دولت نسبت به وقف و تبرعات است؛ دولت جایگزین منابع مردمی نمی‌شود، بلکه در صورت ناکافی بودن آن‌ها وارد می‌شود. در صورت کفایت وقف و تبرعات، مداخلهٔ بودجهٔ عمومی یا منتفی است یا در مقیاسی محدود و هدفمند انجام می‌شود. هر مداخله باید زمان‌بندی مشخص، مشروط به عملکرد، قابل خروج و بازگشت‌پذیر به حکم اولی باشد. قاعدهٔ اهم/مهم در اولویت‌بندی مصارف لحاظ می‌شود؛ هسته‌های اهم شامل تفقّه تخصصی، تربیت استاد و مجتهد، صیانت از مرجعیت علمی و تولید متون درسی معیار است؛ درحالی‌که توسعهٔ کالبدی غیرضروری و فعالیت‌های کم‌اثر یا موازی در زمرهٔ مهم و تابع کفایت قرار می‌گیرند. تعیین اولویت‌ها باید مستمر و متناسب با نیازهای اجتماعی و حکمرانی روزآمد شود.

حکمرانی مالی شرعی-اقتصادی مستلزم تفکیک دقیق حساب‌ها (بیت‌المال، وقف، تبرعات) و جلوگیری از اختلاط آن‌ها برای حفظ نیت و استقلال است. تشکیل هیئت امنای مستقل با ترکیبی از متخصصان فقه، اقتصاد و حسابرسی جهت نظارت شرعی و عملکردی پیش‌بینی می‌شود. شفافیت و پاسخگویی از طریق گزارش عمومی سالانه، سنجش کارایی و اثرگذاری، و حسابرسی دوره‌ای امکان‌پذیر است. همچنین منع تعارض منافع و صیانت از استقلال رأی علمی ضرورت دارد تا کمک‌های مالی موجب تحمیل جهت‌گیری علمی نشود. نهایتاً، قاعده «قدر متیقّن» بر دامنه پوشش حاکم است؛ تمرکز صرفاً بر حوزه‌هایی خواهد بود که در صورت فقدان مداخله با اختلال مواجه می‌شوند، از جمله هزینه‌های پایه و پژوهش‌های راهبردی در جهت اقامه دین.

نتیجه‌گیری الزامات فقهی مداخله حکومت در تأمین مالی حوزه‌های علمیه بدین شرح خواهد بود:

برای مداخلهٔ دولت در تأمین مالی حوزه‌های علمیه چهار شرط ضروری است:

نسخه پیش از انتشار (ویراسته)

۱. احراز موضوع حسبه: اثبات ناتوانی یا بی‌انگیزگی مردم و نهادهای غیرانتفاعی در تأمین نیازهای حیاتی حوزه؛ در غیاب آن، مداخله مشروعیت ندارد.

۲. التزام به قاعدهٔ «الضرورات»: اندازه و مدت مداخله متناسب با رفع ضرورت، همراه با مکانیسم خروج خودکار و امکان بازگشت به حکم اولیه.

۳. اعمال قاعدهٔ اهم و مهم: تقدیم حوزه در صورت اهمیت بیشتر استمرار تفقّه و اقامه دین نسبت به مصارف مزاحم، با تشخیص ولی‌امر و رعایت شرایط زمان و مکان.

۴. تأیید عقل و سیرهٔ عقلاء: طراحی ابزارهای عقلایی؛ کارآمد و قابل دفاع نزد عرف متخصصان حوزه.

علاوه بر این، گسترش تصدی‌گری دولت منع شده است. مداخلات اقتصادی باید پایدار و ضدچرخه‌ای باشند؛ در دوره‌های شوک اقتصادی صرفاً برای هموارسازی فعالیت‌ها و جلوگیری از اختلال عمل کنند و وابستگی ساختاری ایجاد ننمایند. صیانت از استقلال علمی و مرجعیت ضروری است؛ تأمین حکومتی باید با استقلال رأی علمی، روابط تربیت‌محور استاد-شاگرد و ساختارهای غیرمتمرکز حوزوی سازگار باشد. دوم، شفافیت و پاسخگویی عمومی از طریق گزارش‌دهی منظم، حسابرسی دوره‌ای و مشارکت ذی‌نفعان (مراجع، اساتید، واقفان، خیرین) محقق می‌شود. سوم، تقویت فرهنگ وقف و تعاون با سیاست‌های تشویقی برای احیای وقف‌های علمی، صیانت از نیّت واقفان و تسهیل مشارکت خردمقیاس مردمی امکان‌پذیر است. در این چارچوب، نقش دولت محدود به تسهیل‌گری و ایفای نقش «تنظیم‌گر اعتماد» است و نباید جایگزین یا تحمیل‌کنندهٔ روندهای مستقل حوزوی شود.

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

۳- مؤلفه‌های فقهی منابع مردمی و الزامات آن

۳-۱- مفهوم تبرعات مردمی و مصادیق آن

در دوران حضور معصومان (ع)، یکی از شیوه‌های تأمین مالی مبلغان و دانشمندان دینی، دریافت کمک‌های مردمی مبتنی بر ایمان مسلمانان بود. عالمان دینی هنگام حضور برای تبلیغ، مورد استقبال جامعه قرار گرفته و هزینه‌های معیشتی آنان تأمین می‌شد. این روند به‌ویژه پس از نزول آیه نفر تشدید گردید، زیرا بسیاری از افراد پس از آموختن تعالیم اسلامی، برای ترویج دانش دینی به سرزمین‌های خود بازمی‌گشتند (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۵٤).

توصیه‌های پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) نقش بسزایی در ترغیب مردم به حمایت از طالبان علم داشت. ائمه (ع) با تأکید بر جایگاه علم و علم‌آموزی، مسلمانان را به احسان و همکاری با عالمان دینی ترغیب می‌نمودند و توصیه می‌کردند در تخصیص کمک‌ها، افرادی که در مسیر دین هجرت کرده و به تحصیل و ترویج معارف اسلامی مشغول‌اند، در اولویت قرار گیرند. این رویکرد موجب نهادینه‌شدن حمایت از طلاب و مبلغان به‌عنوان یک مسئولیت دینی و اجتماعی در میان مسلمانان شد.

به عنوان نمونه، پیامبر اسلام(ص) در بیانات خود، حمایت و یاری رساندن به علماء و دانشمندان را به عنوان یکی از برجسته‌ترین و ارزشمندترین مصادیق انفاق و بخشش قلمداد می‌نماید: «عن رسول الله صلی الله علیه وآله انه قال: الصدقة علی اجزاء ... و جزء الصدقة فیها بسبعة الاف وهي الصدقة علی العلماء ...»؛(ابن‌ابی‌جمهور، ۱٤۰۳، ج ۱، ص ۳۵٤.) از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده است که فرمودند: صدقه بر بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود... و بخشی از صدقه (که ارزش آن) به هفت‌هزار (برابر) می‌رسد، صدقه‌ای است که به علما پرداخت می‌شود.

در دوران امام صادق (ع)، گروهی از عالمان شیعی به میان قبایل می‌رفتند و احکام شرعی را آموزش می‌دادند و مردم نیز از آنان حمایت مالی می‌کردند. برخی دریافت وجه برای فعالیت دینی را اکل مال به دین می‌دانستند، اما امام صادق (ع) آن را رد کرد. حمزة بن حمران نقل می‌کند: از امام شنیدم که فرمود هرکس علم را وسیله کسب روزی قرار دهد، فقیر شود. عرض کردم: گروهی

نسخه پیش از انتشار (ناویراستاری)

از شیعیان علوم شما را منتشر می‌کنند و شیعیان به آنان کمک و احترام می‌کنند. امام فرمود: آنان علم را ابزار روزی خود قرار ندادند؛ روزی‌خوار از علم کسی است که بدون علم و هدایت الهی فتوا دهد تا حقوق دیگران را پایمال کرده و مال دنیا به دست آورد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۱).

با توجه به معارف ذکر شده پیرامون تبرعات مردمی و نقش آن به‌عنوان منبعی برای تأمین مالی حوزه‌های علمیه به عنوان نهادی که عالمان و فقها در آن حضور دارند، مسئله اصلی را می‌توان بدین صورت تبیین کرد که: «نقش و وظیفه مردم در تعاون و همیاری برای تحقق ماموریت‌های حوزه علمیه چیست؟» در این گفتار مراد از تبرعات مردمی غیر از صدقه واجب و مستحبی است که به عنوان فقیر داده می‌شود.

۲-۳- قاعده تعاون

قاعدهٔ فقهی «اعانت بر برّ» از قواعد فقهی است که نقش موثری در تقویت روحیه تعاون، یاری جمعی، پاکی و سلامت جامعه دارد. این مساله به قدری حائز اهمیت است که برخی از فقها تعاون را نمود سلامت جامعه دانسته و معتقدند: «جامعه سالم جامعه‌ای است که روحیه تعاون و یاری یکدیگر و جلوگیری از فساد و تجاوز در آن حاکم است و همه افراد در این مسیر گام بردارند و مراد از تقوا در آیه نیز تقوای جمعی و توجه به مسئولیت و مراقبت همه افراد جامعه بر تعاون بر برّ است و این امر یکی از سیاست‌های کلی نظام اسلامی به شمار می‌رود.» (سبزواری، ۱۳۸۲، ج۱۹، ص۲۷۰)

در آیات متعدد[1] و سیره و سنت معصومین علیهم‌السلام، ضرورت اعانت بر برّ و نیکی و حرمت اعانت بر اثم مورد تأکید قرار گرفته است؛ در اسلام به همان اندازه که از اعانت بر اثم نکوهش شده، بر اعانت برخوبی‌ها، درستی‌ها و تقوا تشویق شده است و این نشانگر اهتمام شرع مقدس اسلام به گسترش فضایل اخلاقی، پاکی‌ها و نهادینه شدن خوبی‌ها در جامعه و ریشه‌کن کردن انواع

[1] مائده: ۲، بقره: ۱۷۷.

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

آلودگی‌ها و زشتی‌ها در جامعه است. قاعده اعانت بر برّ و تقوا مستند به ادله قرآنی و روایی است که این ادله در ادامه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳-۲-۱- تبیین اجمالی قاعدهٔ اعانه

قاعدهٔ «اعانه بر برّ» در کتب فقهی به تفصیل آمده است.[۱] «اعانه» به معنای کمک و یاری کردن است. «برّ» در لغت به معانی صدق، اطاعت، عمل خالص و خیر آمده، و در قرآن و روایات بیشتر به دو معنای اطاعت و احسان به کار رفته است؛ مانند آیه «وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى» (داودآبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۵). نزد فقها، برّ عبارت است از هر فعل حسنی که از مسلمان سر زند، خواه واجب (مانند حج) یا مستحب (مانند بنای مسجد، چاپ و نشر کتاب دینی) (بجنوردی، ۱۴۰۹ق، ج۱، ص ۳۶۲).

بسیاری از فقها برای اثبات این قاعده به این آیهٔ شریفه استدلال کرده‌اند: «تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان»؛ در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و بر انجام گناه و تجاوز، کمک و همکاری نکنید (مائده: ۳). اما فقها درباره معنای «تعاونوا» در آیه شریفه سه احتمال را مطرح کرده‌اند:

۱. انحصار تعاون در مشارکت: تعاون به معنای مشارکت در خود فعل به گونه‌ای است که فعل به هر دو طرف نسبت داده شود. مثل مشارکت در قتل و دزدی. (ایروانی، ۱٤۰٦ق، ج۱، ص۱۵؛ ص۱۸۰؛ منتظری، ۱٤۰۸ق، ج۲، ص۳٤۱و۳٤۲) استدلال این عده از فقها مستند به قاعده ادبی «زیاده المبانی تدل علی زیاده المعانی»(رضی استرآبادی، ۱٤۰۹ ، ج۱، ص۸۳-۹۱) است. طبق این قاعده ابواب ثلاثی مزید معنایی بیش از معنای ابواب ثلاثی مجرد را افاده می‌کنند. با توجه به اینکه بارزترین معنای باب تفاعل مشارکت در فعل است و اصل در معنای باب تفاعل مشارکت است و هنگام اطلاق و عدم قرینه برای معانی دیگر باب تفاعل به این معنا منصرف می‌شود، مراد از تعاون مشارکت در فعل است؛ مانند ضرار در قاعده لاضرر که مراد از آن معنای مشهور باب مفاعله یعنی مشارکت است.

---

[۱] ر.ک: فاضل لنکرانی، القواعد الفقهیة، ۱۴۱۶ق، ص۴۵۰، اعرافی، قواعد فقهی، ۱۳۹۳ش، ص۱٤۱، امام خمینی، تحریر الوسیلة، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ج۱، ص۴۴۹-۴۵۰.

نسخه پیش از انتشار (ویرایش اولیه)

۲. انحصار در تهیه مقدمات فعل: بنابر این احتمال، مراد از تعاون خصوص اعانه بر فعل شخص دیگر است و بر مشارکت در فعل در فعل دلالتی ندارد. فقها برای این نظریه چنین استدلال می‌کنند: ماده عون چنانکه لغویان گفته‌اند به معنای مساعدت در یک فعل است و اعانه بر پشتیبانی در انجام یک فعل اطلاق می‌شود. مساعدت و پشتیبانی وقتی صدق می‌کند که یکی فعل اصلی کار و دیگری فرع باشد و به فاعل اصلی کمک می‌کنند. بنابراین تعاون یعنی هر یک معین دیگری باشد، نه اینکه همه در یک کار مشارکت داشته باشند. چنانکه در لغت تعاون «اعان بعضهم بعضا»(فراهیدی، ١٤١٤ق، ج۲، ص۲۳۵) معنا شده و مجمع‌البیان(طبرسی، ١٤٠٨ق، ج۳، ص۲٤۰) ذیل آیه شریفه، تعاون را به همین معنا تفسیر کرده است. همچنین مشارکت داشتن و بین‌الاثنین بودن باب تفاعل، ماده آن را از معنای اصلی خارج نمی‌کند. (خمینی، ١٤١٥ق، ج۱، ص۱۹۷)

۳. اشتراک در مشارکت در فعل و تهیه مقدمات: بنابر این احتمال تعاون نه تنها در خصوص مشارکت مستقیم در فعل و نیز اعانه بر فعل اطلاق می‌شود بلکه در هر دو معنا استفاده می‌شود. امام خمینی(ره) این نظریه را به عنوان احتمال مطرح کرده است. (همان، ص۱۹۷) به نظر می‌رسد واژه نه مختص مشارکت است و نه مختص تمهید مقدمات؛ بله بر هر دو دلالت می‌کند و عرف مرجع تشخیص اعانه می‌باشد. در این‌باره محقق سبزواری معتقد است: «إنّ الإعانة ليست من الموضوعات التعبدية الشرعية حتّى نحتاج في فهمها إلى الرجوع إلى الشارع و لا من الموضوعات المستنبطة حتّى نحتاج فيها إلى إعمال الرواية، بل هي من المفاهيم المتعارفة العرفية الشائعة بينهم في جميع أمورهم الاجتماعية.» (سبزواری، ۱۳۸۲، ج۱، ص۷۵)

آیه «وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى» ظهور اولی امر «تعاونوا» در وجوب است، اما با اطلاق متعلق (برّ و تقوا که شامل مستحبات نیز می‌شود) تعارض دارد. برای حل تعارض دو راه وجود دارد: ۱. رفع ید از ظهور امر در وجوب و حمل بر استحباب برای حفظ اطلاق برّ؛ ۲. رفع ید از اطلاق برّ برای حفظ وجوب. احتمال اول مقدم است، زیرا ذیل (البرّ و التقوا) قرینه بر صدر است و ظهور

نسخه پیش از انتشار (داوری نشده)

صیغه امر در وجوب عقلی است و در صورت وجود قرینه (ذیل آیه) به استحباب حمل می‌شود. بنابراین آیه بر استحباب تعاون در برّ و تقوا دلالت دارد (اعرافی، ۱۳۹۳، ج۱، ص ۲۷۴-۲۷۳).

۳-۲-۲- کاربرد قاعده اعانه در حمایت از حوزه‌های علمیه

قاعدهٔ فقهی «حرمت اعانت بر اثم و وجوب/استحباب اعانت علی البر» در سطح حکومت، عرصه‌های گسترده‌ای را شامل می‌شود. حکومت دینی و حاکم اسلامی موظف به بسط نیکی‌ها در سطوح فردی و اجتماعی است؛ زیرا حیات اجتماعی انسان جز در سایه تعاون میسر نیست (منتظری، ۱۴۱۷ق، ج۱، ص۲۷). یکی از مصادیق قاعده «اعانه علی البر» از نظر فقها، حمایت از حوزه‌های علمیه و نشر معارف دین است. (سبزواری، ۱٤۲۳ق، ج۱، ص۳٦۷)

تعلیم و تبلیغ دین از مواردی است که می‌توان از مصادیق روشن قاعده تعاون محسوب کرد. فقها با استناد به این قاعده فقهی و به منظور تعلیم و تبلیغ دین اسلام بر ساختن مسجد، چاپ و نشر کتاب دینی و تهذیب نفوس تاکید کرده‌اند. (بجنوردی، ۱٤۱۹، ج۱، ص: ۳٦۲؛ انصاری شیرازی، ۱٤۲۹ق ، ج۳، ص: ۳۲۷) پاسخ به سوالات دینی مردم و ارائه راه حل به مسائل حکومت نیز در این راستا از مصادیق این قاعده است البته تعلیم دین و پژوهش برای پاسخ به سوالات دینی قواعد و الزامات زیادی دارد که لازم است در فرآیند تعلیم و نیز تهیه محتوا رعایت شود. اما به‌طور کلی می‌توان گفت ارائه معارف دینی در حوزه‌های علمیه و پاسخ به پرسشهای دینی مردم و حکومت از مصادیق اعانه بر برّ است.

۳-۳- وقف

یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین مالی حوزه‌های علمیه، که تجلی روشنی از حمایت‌های مردمی به‌شمار می‌رود، نهاد وقف است. وقف از دیرباز به‌عنوان یکی از کهن‌ترین و بنیادی‌ترین سازوکارهای پشتیبانی مالی از این مراکز علمی و دینی شناخته شده و نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ، تداوم و تقویت بنیان‌های علمی حوزه‌ها ایفا کرده است. این پشتوانه مردمی، بستری مناسب برای رشد و

نسخه پیش از انتشار آنلاین استفاده

گسترش فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی فراهم آورده و در طول تاریخ، از مؤثرترین و پایدارترین شیوه‌های حمایت از حوزه‌های علمیه به‌شمار رفته است؛ به‌گونه‌ای که اختصاص موقوفات به این نهادها، موجب استقلال مالی و استمرار جریان تفقه و تعلیم در بستر دین گردیده است.

با استناد به نظم فقهی مستخرج از احکام و شرایط وقف به عنوان ایقاعی شرعی و مصداقی از صدقه جاریه، می‌توان مبنایی نظری برای نظام تأمین مالی نهادهایی همچون حوزه‌های علمیه ارائه داد. این مبنا بر چند اصل کلیدی استوار است:

- ✓ نخست، «حبس دائمی عین» که دوام و بقاء مال موقوفه را تضمین کرده و امکان بهره‌برداری بین‌نسلی از منافع آن را فراهم می‌آورد؛
- ✓ دوم، «لزوم قصد قربت» در تحقق وقف که جهت‌گیری الهی و معنوی آن را تضمین کرده و موجب هدایت حرکت علمی حوزه به سوی اهداف متعالی می‌شود؛
- ✓ سوم، «اعتبار شرایط واقف» که به‌عنوان معیار مشخص، مسیر بهره‌برداری از موقوفه را از انحراف مصون داشته و سهم مشخصی از منابع مالی را برای حوزه علمیه معین می‌سازد؛
- ✓ چهارم، «نظام تولیت و شرایط آن» که نظارت و سرپرستی موقوفه را در راستای رسالت‌های علمی و آموزشی حوزه هدایت می‌کند؛
- ✓ و در نهایت، «شخصیت حقوقی مال موقوفه» که استقلال مالی آن را از دخالت‌های مالکیتی اشخاص حقیقی یا دیگر نهادها تضمین می‌نماید. مجموع این عناصر، سازوکاری منسجم و مبتنی بر مبانی فقهی برای تأمین مالی پایدار حوزه‌های علمیه از طریق وقف را فراهم می‌سازد.

٤-٣- الزامات ورود مردم برای تامین مالی حوزه علمیه

مبانی فقهی و قرآنی-روایی مشارکت مردمی در حمایت از نهادهای دینی در چند محور تبیین می‌شود: آیه تعاون («وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ») به‌عنوان نص عام بر قاعده «اعانة علی البرّ» دلالت دارد. همچنین سیره و روایات معصومین (ع) بر فضیلت انفاق به علما، اولویت‌بخشی به هجرت برای تفقه، و تفاوت میان «استیکال به علم» با نشر علم همراه با تأمین معیشت دلالت دارند. این متون،

نسخه پیش از انتشار (نوبر استه)

ضمن ترغیب مردم به تأمین نیازهای معیشتی و ابزار تبلیغ و آموزش، کسب درآمد به عنوان وسیله استثمار دین را مذموم می‌شمارند؛ یعنی کمک مالی باید در جهت استمرار نشر علم باشد نه تحصیل منافع شخصی.

شرح عملی قاعده «اعانة بر برّ» نشان می‌دهد که تعاون می‌تواند به‌صورت مشارکت در عمل، تأمین مقدمات یا هر دو تحقق یابد؛ ازاین‌رو، حمایت مالی از نهادهای علمی در حوزه‌هایی مانند عمران، نشر، معیشت اساتید، چاپ و آموزش از مصادیق مشروع این قاعده محسوب می‌شود. در نهایت احکام و شرایط وقف ـ از جمله حبس عین، قصد قربت، اعتبار شروط واقف، نظام تولیت و شخصیت حقوقی مال موقوفه ـ مبنایی پایدار و شرعی برای حمایت مردمی از نهادهای دینی فراهم می‌کند. وقف، افزون بر آنکه مصداق صدقه جاریه است، به‌عنوان سازوکاری استقلال‌بخش نیز نقش‌آفرینی کرده و امکان استمرار مشارکت مردمی را تضمین می‌نماید.

در نظام اخلاقی-اقتصادی اسلام، اقتصاد غایت تحقق عدالت، همبستگی اجتماعی و پرورش فضائل را دنبال می‌کند. در این چارچوب، تعاون بر برّ ابزاری توزیعی-تکافلی است که از تمرکز منابع جلوگیری کرده و به عدالت توزیعی کمک می‌کند. وقف نیز با ویژگی «حبس عین» و ایجاد منافع مستمر، نهادی سرمایه‌گذاری اجتماعی برای تأمین پایدار سرمایه انسانی (اساتید، طلاب، مدارس علمی) است. مزایای اقتصادی وقف: ایجاد درآمد پایدار، اجتناب از رقابت مخرب در بازار منابع، و هدایت مصرف بر اساس مقاصد واقف.

نحوه و چرایی نقش‌آفرینی مردم از منظر فقهی-اقتصادی ترکیبی چنین تبیین می‌شود: بر اساس آن‌چه بیان شد، تأمین مالی حوزه‌های علمیه برای استمرار تعلیم و نشر دین در قلمرو «واجب کفایی» قرار دارد؛ به این معنا که اگر گروهی از مردم این وظیفه را ایفا کنند، تکلیف دیگران ساقط می‌شود، اما در صورت ترک عمومی، هر فرد به‌صورت جداگانه مسئول خواهد بود. این حکم فقهی، انگیزهٔ شرعی و تکلیفی برای مشارکت مردمی ایجاد می‌کند. روایات متعدد ارزش و فضیلت کمک به علما را برجسته ساخته و این فضیلت، محرکی معنوی و فرهنگی برای ترغیب مردم به مشارکت فعال در تأمین منابع علمی و دینی محسوب می‌شود.

نسخه پیش از انتشار آنلاین آینه

مشارکت مردمی مستقل، به‌ویژه از طریق وقف، زمینه‌ای برای صیانت از استقلال حوزه در برابر نفوذ مستقیم حکومتی یا تمرکز منابع ایجاد می‌کند. از منظر فقهی، این استقلال با مشی (رویکرد) عدم رقیب‌تراشی و حفظ نقش علمی مرجع همسو و سازگار است. منابع حکومتی همچون خمس، زکات و امثال آن در چارچوب بیت‌المال و با تشخیص حاکم قابل تخصیص هستند، اما تأمین نیازهای روزمره و پروژه‌ای حوزه‌ها می‌تواند از طریق مشارکت مردمی به شیوه‌ای منطقی‌تر و منطبق بر شأن علمی حوزه انجام شود، به‌طوری که نقش دولت و مردم یکدیگر را تکمیل کنند.

بر اساس مبانی پیش‌گفته، چرایی نقش مردم در تأمین مالی حوزه علمیه: کالای عمومی دینی (تفقه، افتاء، تبلیغ، تربیت عالم) با مشکل شکست بازار مواجه است. قاعده تعاون مبنای شرعی برای درونی‌سازی منافع خارجی از طریق مشارکت مردمی است. بر اساس روایات ناظر بر برتری «هجرت در دین و فقه»، منابع مردمی باید به هسته‌های علمی راهبردی (تولید متون درسی، تربیت استاد، پژوهش‌های مسئله‌محور) اختصاص یابد. ساختار مشارکت مردمی باید متکثر بماند تا ضمن کاهش وابستگی به دولت و پرهیز از تمرکزگرایی مالی، مرجعیت علمی متکثر صیانت شود. همچنین مشارکت داوطلبانه به اعتماد و مشروعیت اجتماعی و ارتقای فرهنگ وقف و انفاق هدفمند کمک می‌کند.

چگونگی نقش‌آفرینی مردم در تأمین مالی حوزه‌های علمیه بر محور طراحی نهادی و ابزارها: وقف به‌مثابهٔ هسته، از طریق گسترش موقوفات علمی (وقف عین، منفعت یا درآمد)، ایجاد تولیت‌های تخصصی، تفکیک دقیق حساب‌ها و التزام به شروط واقف سامان می‌گیرد. تبرعات هدفمند و خردمقیاس در قالب صندوق‌های حمایتی دانش‌پژوهی، تأمین معیشت حداقلی طلاب پایه، و حمایت از پروژه‌هایی مانند فقه نظامات و نشر علمی تحقق می‌یابد. اعانه بر مقدمات شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی، کتابخانه‌ها، نشر متون و تولید محتوای درسی است که ذیل «اعانه علی البرّ» قرار می‌گیرد. هنجارهای رفتاری بر نیت قربت و اجتناب از اکل مال به دین تأکید دارند؛ زیرا اعانت در این حوزه تکریم حاملان علم حق است، نه معامله بر فتوا یا جهت‌گیری علمی.

سازوکارهای عملی و فقهی پیشنهادی برای مشارکت مردمی در حمایت از نهادهای دینی عبارتند از:

نسخه پیش از انتشار (نوید اندیشه)

۱. توسعه وقف‌های هدفمند حوزوی با تدوین شروط واقف (قصد قربت، مصارف مشخص شامل معیشت طلاب، تعمیرات، انتشارات، بورس‌ها)، تعیین تولیت معین، و سازوکارهای جلوگیری از تعارض منافع و نظارت شرعی و حقوقی.

۲. ایجاد نظام شفاف حسابرسی و گزارش‌دهی شرعی-مالی با انتشار سالانه گزارش موقوفات و تبرعات، سازوکار رسیدگی، و الزام به حسابرسی شرعی جهت تضمین التزام به احکام در سرمایه‌گذاری.

۳. وضع ضوابط فقهی و آیین‌نامه‌های اخلاقی برای جلوگیری از استیکال به علم (منع دریافت‌های مستقیم یا قراردادهای تبعیض‌آمیز که علم را به کالای کسب‌وکار تبدیل کند).

۴. تنوع منابع و مدیریت سرمایه مطابق موازین شریعت برای سرمایه‌گذاری درآمد موقوفات در پروژه‌های حلال جهت تضمین بازده و استمرار تأمین مالی.

۵. نهادسازی مردمی مشارکتی خرد-متکثر از طریق ترویج صندوق‌های محلی، اتحادیه‌های خیرین حوزه‌ای و سامانه‌های اهدای آنلاین با رعایت ضوابط شرعی، جهت مقابله با تمرکزگرایی منابع و تقویت حضور خرد متکثر در حمایت از امور علمی و دینی.

در جمع‌بندی، می‌توان گفت مشارکت مردمی در تأمین مالی حوزه‌های علمیه بر پایهٔ مبانی قرآنی، روایی و قاعدهٔ فقهی «اعانة علی البرّ» و نیز بر اساس اصول اقتصاد اسلامی، مشروعیت یافته و در حالت کلی مستحب، و در شرایط اضطراری در حد واجب کفایی تلقی می‌شود راهبرد محوری پیشنهادی آن است که «وقف هدف‌مند» به‌عنوان رکن اصلی، در بستر نهادسازی مردمیِ متکثر و شفاف سامان یابد و در عین حال با نقش تکمیلی و مشروط حکومت ــ در چارچوب قواعد خمس و زکات ــ همراه گردد. چنین الگویی می‌تواند ضمن حفظ استقلال علمی حوزه، عدالت توزیعی و پایداری مالی آن را نیز تضمین نماید.

نتیجه گیری و جمع بندی (الگوی فقهی تامین مالی حوزه علمیه)

بر اساس تحلیل فقهی، راهکارهای کلی تامین منابع به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

نسخه پیش از انتشار (نویسنده)

۱. منابع حکومتی وابسته به منصب امامت: شامل خمس، زکات، مالیات و انفال که ذیل عنوان بیت‌المال قرار دارند. استفاده از این منابع در تأمین مالی حوزه، وابسته به تشخیص حاکم اسلامی بر اساس قاعده اهم و مهم و شرایط زمان و مکان است. این منابع ذاتاً برای اداره کل جامعه‌اند و تنها در صورت ضرورت و اولویت می‌توان از آن‌ها برای حوزه استفاده کرد.

۲. منابع مردمی: شامل تبرعات و وقف. تبرعات مردمی به‌عنوان پاسخ به واجب کفائی تفقه در دین و ذیل عنوان تعاون بر برّ مطرح است و تأمین مالی حوزه بر این اساس واجب کفائی و در ادامه دارای رجحان شرعی است. وقف نیز ابزار پایداری، استقلال و جهت‌گیری معنوی در تأمین مالی حوزه است که علاوه بر رفع نیاز مالی، از وابستگی به حکومت یا نوسانات مردمی جلوگیری می‌کند.

در نتیجه براساس مطالب بیان شده در مقاله سیاستهای کلی حکومت و اقتضائات مردمی سازی تامین مالی حوزه های علمیه به شرح ذیل می باشد:

الف- سیاستهای کلی در تامین مالی حوزه علمیه توسط حکومت

۱. حدود و ضرورت مداخله حکومت:

بر پایه مبانی حسبه، مداخله حکومت در امور علمی ـ فرهنگی اقامه دین، هنگامی رواست که ترک آن مرضی شارع نبوده و جامعه به‌تنهایی قادر یا مایل به انجام آن نباشد. این مداخله امری ضروری و تشکیکی است؛ یعنی درجات دارد و اصل، بر کفایت مداخله حداقلی است. قاعده «الضرورات تُقَدَّرُ بِقَدَرِها» پشتوانه عقلانی و شرعی این رویکرد است و به‌محض رفع ضرورت، باید به حکم اولی بازگشت.

۲. تقدم اهم بر مهم:

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

در فرض تزاحم واجبات، قاعده اهم و مهم حاکم است؛ بدین معنا که استفاده از منابع حکومتی تنها در جایی مشروع است که ترک آن موجب خلل در اقامه دین و علم شود.

۳. نقش تکمیلی دولت در برابر منابع مردمی:

دولت جایگزین وقف و تبرعات نیست، بلکه در نقش مکمل عمل می‌کند. تنها در مواردی که منابع مردمی کفایت نکنند، مداخله مالی حکومت ضرورت می‌یابد.

٤. شفافیت و تفکیک منابع:

حکمرانی مالی شرعی ـ اقتصادی مستلزم تفکیک دقیق حساب‌ها میان بیت‌المال، وقف و تبرعات است. این تفکیک از یک‌سو نیت‌های واقفان و خیرین را حفظ می‌کند و از سوی دیگر، استقلال حوزه‌ها را تضمین می‌نماید.

ب- الزامات و نکات مهم در تأمین مالی حوزه‌های علمیه توسط مردم

۱. پشتوانه‌های فقهی و قرآنی مشارکت مردمی:

مبانی مشارکت مردمی در حمایت از نهادهای دینی بر آیه «تعاونوا علی البرّ و التقوی» و قاعده «اعانة علی البر» استوار است. این قاعده نشان می‌دهد که کمک به استمرار نشر علم، از جمله انفاق به علما و پشتیبانی از مهاجرت برای تفقه، واجد ارزش شرعی و اجتماعی است.

۲. مصادیق عملی تعاون:

تعاون می‌تواند به‌صورت مشارکت عملی، تأمین مقدمات یا هر دو تحقق یابد. بنابراین حمایت مالی از حوزه‌ها در عرصه‌هایی مانند عمران، نشر، معیشت اساتید، چاپ، آموزش و پژوهش (در راستای پاسخ به سوالات دینی مردم و حکومت) از مصادیق مشروع این قاعده است.

نسخه پیش از انتشار (ناویر استند)

۳. **وقف به‌عنوان رکن پایدار:**

وقف هدفمند مبنایی پایدار و استقلال‌بخش برای حوزه‌های علمیه فراهم می‌کند. این امر علاوه بر استمرار حمایت مردمی، زمینه‌ای برای صیانت از استقلال حوزه در برابر نفوذ مستقیم حکومتی ایجاد می‌کند.

٤. **واجب کفایی بودن تأمین مالی حوزه:**

بر اساس مبانی فقهی، پشتیبانی از حوزه‌ها در قلمرو «واجب کفایی» قرار دارد؛ بدین معنا که در صورت اقدام گروهی از مردم، تکلیف از دیگران ساقط می‌شود و در صورت ترک عمومی، تکلیف بر عهده همه افراد خواهد بود.

٥. **مردمی‌سازی و جلوگیری از تمرکزگرایی:**

مشارکت مردمی باید در قالب نهادهای متکثر، شفاف و مردمی سامان یابد تا از تمرکزگرایی مالی جلوگیری شود. این پراکندگی و تکثر، موجب تقویت مرجعیت علمی متنوع و افزایش اعتماد و مشروعیت اجتماعی می‌شود.

٦. **ارتقای فرهنگ انفاق و اعتماد اجتماعی:**

گسترش فرهنگ وقف، انفاق هدفمند و کمک‌های داوطلبانه، نه‌تنها به استمرار آموزش و پژوهش دینی کمک می‌کند، بلکه اعتماد اجتماعی و مشروعیت مردمی حوزه‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

در پایان پیشنهاد می شود نهاد حوزه علمیه برای جلوگیری از تمرکزگرایی و دولت گرایی در تامین مالی حوزه علمیه و نیز زمینه سازی برای مردمی و متکثر بودن آن باتوجه به سیاستهای فوق الذکر در راستای تقویت نقش مقوم مرجعیت آحاد عالمان دین در بین مردم و تاکید بر حفظ کرامت و استقلال و قدرت اثرگذاری حداکثری ایشان، برنامه ریزی عملیاتی نماید.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این پژوهش با حمایت مالی بنیاد شیخ انصاری(ره) انجام پذیرفته است.

نسخه پیش از انتشار (زاویر استه)

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان به طور برابر در مفهوم‌سازی مقاله و نگارش پیش‌نویس اولیه و نسخه‌های بعدی . نسخه بازبینی شده، ویرایش شده و ... مشارکت داشته‌اند.

اعلامیهٔ هوش مصنوعی مولد و فناوری های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش

در سامان مقاله از هوش مصنوعی استفاده نشده اما در آماده سازی و تنظیم فرمت چکیده تفصیلی، از ابزار هوش مصنوعی Gemini برای ساختاردهی و ترجمه استفاده شده است. پس از استفاده، محتوای تولید شده توسط نویسندگان بازبینی و ویرایش گردیده و مسئولیت کامل محتوای منتشر شده بر عهده ایشان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تعارض منافعی در ارتباط با انتشار این مقاله ندارند و بنیاد شیخ انصاری(ره) به عنوان حامی مالی، هیچ نقشی در ایده پردازی تحقیق، گردآوری، تحلیل یا تفسیر داده‌ها، نگارش مقاله یا تصمیم‌گیری برای انتشار نتایج آن نداشته است.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان در نگارش این مقاله از اصالت داده‌ها محافظت نموده و از هرگونه سرقت علمی، تحریف و سوءرفتار پژوهشی اجتناب کرده‌اند.

بیانیه دسترسی به داده ها

هیچ داده‌ای در دسترس نیست.

سپاسگزاری

نسخه پیش از انتشار (نا ویراسته)

نویسندگان از اندیشکده قصد و همچنین از داوران بابت نظرات سازنده‌شان، سپاسگزاری می‌کنند.

منابع

ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۳۷۷، ابوجعفر محمدبن علی،«معانی الاخبار»، چاپ هشتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه،

ابن جمهور، محمد بن زین‌الدین « عوالي اللئالی العزیزیة في الاحادیث الدینیة». الطبعة الاولی ۱٤۰۳ ه

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع- دار صادر، الطبعة الثالثة، ۱٤۱٤ق.

ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین. (۱٤۰۳). عوالي اللئالي العزیزیة في الأحادیث الدینیة، شهاب‌الدین مرعشی، قم ایران، مؤسسه سید الشهداء (ع)،

اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۳) فقه تربیتی،ج۱، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.

آمدی، عبدالواحد بن تمیمی (۱۳۷۳).غررالحکم و دررالکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

انصاری شیرازی، قدرت الله و پژوهشگران (۱٤۲۹)، موسوعه احکام اطفال و ادلتها، ج۱، چاپ اول، قم، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).

ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی (۱٤۰٦)، حاشیه المکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بجنوردی، سید حسن ابن آقا بزرگ موسوی، القواعد الفقهیه، ۷ جلد، نشر الهادی، قم- ایران، چاپ اول، ۱٤۱۹ق.

جمعی از محققان، ۱۳۸۹، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، موسسة آل البیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث، ۱۴۱۶.

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

حسینی حائری، کاظم، «مباني فتاوى في الأموال العامة»، ایران - قم، دار التفسیر، ۱٤۲۸ ۲۰۰۷.

حمیری، نشوان بن سعید(۱٤۲۰)، شمس العلوم و الدواء الکلام العرب من الکدوم، بیروت، دارالکفر المعاصر، چاپ اول

خلجی مهدی(۱۳۸۹)، نظم نوین روحانیت در ایران، نشر آیدا، آلمان، بوخوم

خمینی، سیدروح اللهالموسوی(۱٤۱۵)، المکاسب المحرمه، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول

خمینی، سیدروح اللهالموسوی، (۱٤٤۳). ولایت فقیه، تهران، موسسه تنظیم و نظر آثار امام خمینی(ره)

خمینی، سیدروح‌اله، کتاب البیع، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۹.

خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین (خویی)، سید ابوالقاسم خوئی، قم، مدینة العلم، آیت الله العظمی الخوئي، ۱۴۱۰.

داودآبادی، محسن. ۱۳۹۹. الگوی آموزش عالی در فقه تربیتی. پایان نامه دکتری فقه تربیتی جامعه المصطفی العالمیه(ص).

داودآبادی، محسن، (۱۳۹۸) تحلیلی بر قاعده فقهی اعانه علی البر و موارد کاربرد آن در عرصه حکومت، نشریه پژوهش نامه میان رشته ای فقهی دانشگاه امام صادق علیه السلام، دوره ۲، شماره ۳ پاییز و زمستان ۱۳۹۲ صفحه ۳۷-۵۸. https://doi.org/۱۰,۳۰٤۹۷/fiqh.۲۰۱٤,۲٤۳۹

رسته‌مقدم، آرش و ابوالقاسم نادری (۱۳۹۴)، «الگوهای تأمین منابع مالی و استخراج آموزه‌هایی برای نظام آموزش عالی ایران»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هفتم، شماره دوم. https://dor.isc.ac/dor/۲۰,۱۰۰۱,۱,۲۰۰۸۸۰۰۰,۱۳۹٤,۷,۲,٤,۸

رضایی‌دوانی، مجید(۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر مالیه عمومی در اسلام، تهران، سمت.

رضی استرآبادی، شرح الشافیه(۱٤۰۹)، تحقیق محمّد محیی الدین عبد الحمید، دار الکتب العلمیّة

نسخه پیش از انتشار (نا ویراسته)

سبزواری، عبدالعلی، مهذب الاحکام، قم، دار التفسیر، ۱۳۸۲.

سبزواری، محمدباقر،(۱٤۲۳ق)، کفایه الاحکام، قم، موسسه النشر الاسلامی.

شهید اول، محمد بن مکی. (بی‌تا). القواعد و الفوائد في الفقه و الأصول و العربية. قم ایران: مکتبة المفید.

شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱٤۰۰)، النهایه، بیروت، دارالکتاب العربی.

صدر، محمدباقر، و صدر، محمد باقر، اقتصادنا، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهید الصدر، ۱۴۲۴.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: دار المعرفة، ۱٤۰۸ هجری قمری.

عراقی، عبدالنبی. (بی‌تا). التقریرات المسمی بالمحاکمات بین الأعلام. قم ایران: مطبعه قم.

علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الأحکام، حسن بن یوسف علامه حلی و مؤسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، جماعة المدرسین في الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۳.

علم‌الهدی، علی بن حسین، الانتصار، مؤسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، جماعة المدرسین في الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۵.

علیدوست، ابولقاسم، ۱۳۸۸، فقه و مصلحت، قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، (۱٤۱٤). ترتیب کتاب‌العین، قم، اسوه.

فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر في غریب الشرح الکبیر، قم موسسه دار الهجره، چاپ ۲، ۱٤۱٤ق

نسخه پیش از انتشار (ناویر استه)

قارون، معصومه (۱۳۷۵)، «بررسی راه‌های تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها»، مجلهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۹۷ تا ۱۴۲.

کلینی، محمد بن یعقوب - غفاری، علی‌اکبر. (۱۳٦۳). الكافي. (آخوندی، محمد، ویراستار). دار الكتب الإسلامية.

محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، صادق حسینی شیرازی، تهران، استقلال، ۱۳۸۳.

محقق حلی، جعفر بن حسن، و نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الكلام «في شرح شرائع الإسلام»، بیروت لبنان، دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٩.

محقق کرکی ، جامع المقاصد في شرح القواعد، حسن بن یوسف علامه حلی، قم، موسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۴.

منتظری نجف آبادی، حسینعلی(١٤١٧)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم

منتظری، حسینعلی، (١٤٠٨) دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم: منشورات المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه

میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، جامع الشتات، ابو القاسم بن محمد حسن میرزای قمی، تهران، کیهان، ۱۳۷۱.

میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۰.

نجفی وحید(۱۳۹۷)، نظام اقتصادی سازمان روحانیت، انتشارات مکث اندیشه

نراقی، احمد بن محمدمهدی، عوائد الأيام، قم ایران، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مرکز انتشارات، ۱۳۷۵.

نسخه پیش از انتشار (ناویژ استه)

نراقی، احمد بن محمدمهدی، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، قم، موسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۱۵.

References

- Akhavi, Shahrough (۱۹۸۰), "Religion and Politics in Contemporary Iran : Clergy-state Relations in the Pahlavi Period", "State University of New York Press"
- Alidoost, A. (۲۰۰۹). Fiqh wa Maslahat (Jurisprudence and Expediency). Islamic Research Institute for Culture and Thought. [In Persian]
- Allamah Hilli, H. (۱۹۹۲). Qawa'id al-Ahkam (Rules of Rulings). Islamic Publishing Institution. [In Arabic]
- Amidi, A. (۱۹۹٤). Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim (Exalted Aphorisms and Pearls of Speech). University of Tehran Press. [In Arabic]
- Ansari Shirazi, Q. (۲۰۰۸). Mawsu'at Ahkam al-Atfal wa Adillatiha (Encyclopedia of Children's Rulings and Their Evidences) (Vol. ۱). Jurisprudential Center of Pure Imams. [In Arabic]
- Arafi, A. (۲۰۱٤). Fiqh-e Tarbiyati (Educational Jurisprudence) (Vol. ۱). Eshraq and Erfan Institution. [In Persian]
- Araqi, A. (n.d.). Al-Taqrirat al-Musamma bi al-Muhakamat bayn al-A'lam (The Transcripts Named Trials Among the Luminaries). Matba'at Qom. [In Arabic]
- Bojnourdi, S. H. (۱۹۹۸). Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah (Jurisprudential Rules) (Vols. ۱-۷). Al-Hadi Publication. [In Arabic]
- Brada, Josef C., Wojciech Bienkowski and Masaaki Kuboniwa (۲۰۱۵), International Perspectives on Financing Higher Education.

نسخه پیش از انتشار (نویسنده)

- Davoodabadi, M. (۲۰۱٤). Tahlili bar Qaedeh-ye Fiqhi-ye I'anah ala al-Birr wa Mawarid-e Karbord-e An dar Arseh-ye Hokoumat (An Analysis of the Jurisprudential Rule of Aiding in Righteousness and Its Applications in Governance). Interdisciplinary Jurisprudential Research Journal of Imam Sadiq University, ۲(۳), ۳۷-۵۸. https://doi.org/۱۰.۳۰٤۹۷/fiqh.۲۰۱٤.۲٤۳۹ [In Persian]
- Davoodabadi, M. (۲۰۲۰). Olgou-ye Amoozesh-e Aali dar Fiqh-e Tarbiyati (The Model of Higher Education in Educational Jurisprudence) [Doctoral dissertation, Al-Mustafa International University]. [In Persian]
- Ekelund و Robert B. , Jr., Robert F. Hé bert, and Robert D. Tollison (۲۰۱۲), "The Political Economy of the Medieval Church", The Oxford Handbook of the Economics of Religion, Edited by Rachel M. McCleary.
- Farahidi, K. (۱۹۹۳). Tartib Kitab al-Ayn (Arrangement of the Book of Ayn). Uswah. [In Arabic]
- Fayyumi, A. (۱۹۹۳). Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir (The Illuminating Lamp on the Strange Words of the Great Commentary) (۲nd ed.). Dar al-Hijrah. [In Arabic]
- Gharoon, M. (۱۹۹٦). Barresi-ye Rah-ha-ye Ta'min-e Manabe'-e Mali-ye Daneshgah-ha (Investigating Methods of Financing Universities). Journal of Research and Planning in Higher Education, ۱۳-۱٤, ۹۷-۱٤۲. [In Persian]
- Himyari, N. (۱۹۹۹). Shams al-Ulum wa Dawa' Kalam al-Arab min al-Kudum (Sun of Sciences and Remedy for the Speech of Arabs). Dar al-Fikr al-Mu'asir. [In Arabic]
- Hurr al-Amili, M. (۱۹۹٥). Tafsil Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a (Detailing the Means of the Shia to Acquire the Issues of Sharia). Aal al-Bayt Institute for Revival of Heritage. [In Arabic]

نسخه پیش از انتشار (آوند دانش)

- Husseini Haeri, K. (۲۰۰۷). Mabani Fatawa fi al-Amwal al-Aammah (Foundations of Fatwas on Public Property). Dar al-Tafsir. [In Arabic]
- Iannaccone, Laurence R. and Feler Bose (۲۰۱۰), "Funding the Faiths: Toward a Theory of Religious Finance", Oxford Handbook of the Economics of Religion, Edited by Rachel M. McCleary.
- Ibn Abi Jumhur, M. (۱۹۸۳). Awali al-La'ali al-Aziziyyah fi al-Ahadith al-Diniyyah (The Exalted Pearls in Religious Hadiths) (S. Marashi, Ed.). Sayyid al-Shuhada Institution. [In Arabic]
- Ibn Babawayh (Sheikh Saduq), M. (۱۹۹۸). Ma'ani al-Akhbar (Meanings of the Reports) (۸th ed.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Ibn Jumhur, M. (۱۹۸۳). Awali al-La'ali al-Aziziyyah fi al-Ahadith al-Diniyyah (The Exalted Pearls in Religious Hadiths). [In Arabic]
- Ibn Manzur, M. (۱۹۹٤). Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs) (۳rd ed.). Dar al-Fikr & Dar Sader. [In Arabic]
- Iravani, A. (۱۹۸٦). Hashiyat al-Makasib (Annotation on al-Makasib). Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
- Khalaji, M. (۲۰۱۰). Nazm-e Novin-e Rouhaniyat dar Iran (The New Order of Clergy in Iran). Aida Publisher. [In Persian]
- Khoei, A. (۱۹۹۰). Minhaj al-Salihin (The Path of the Righteous). Madinat al-Ilm. [In Arabic]
- Khomeini, S. R. (۱۹۹٤). Al-Makasib al-Muharramah (Forbidden Earnings). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
- Khomeini, S. R. (۲۰۰۰). Kitab al-Bay' (The Book of Sale). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]

نسخه پیش از انتشار (آزمایشی)

- Khomeini, S. R. (۲۰۲۱). Velayat-e Faqih (Guardianship of the Islamic Jurist). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Kulayni, M. (۱۹۸٤). Al-Kafi (The Sufficient) (A. Ghaffari & M. Akhoundi, Eds.). Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Michael, Steve O. & Mark A. Kretovics (۲۰۰۵), Financing Higher Education In A Global Market, Algora Publishing, New York.
- Mirmoezzi, S. H. (۲۰۱۱). Nezam-e Eqtesadi-ye Eslam: Mabani, Ahdaf, Osoul-e Rahbordi wa Akhlaq (Islamic Economic System: Foundations, Objectives, Strategic Principles and Ethics). Islamic Research Institute for Culture and Thought. [In Persian]
- Mirza-ye Qomi, A. (۱۹۹۲). Jami' al-Shatat (Gatherer of the Dispersed). Kayhan. [In Persian]
- Moazami, Behrooz (۲۰۱۳), State, Religion, and Revolution in Iran, ۱۷۹٦ to the Present, Palgrave Macmillan
- Montazeri Najafabadi, H. (۱۹۹٦). Mabani-ye Fiqhi-ye Hokoumat-e Eslami (Jurisprudential Foundations of Islamic Government). [In Persian]
- Montazeri, H. (۱۹۸۸). Dirasat fi Wilayat al-Faqih wa Fiqh al-Dawlat al-Islamiyyah (Studies in the Guardianship of the Jurist and Jurisprudence of the Islamic State). Al-Markaz al-Alami lil-Dirasat al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Muhaqqiq Hilli, J. (۲۰۰٤). Shara'i' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram (Laws of Islam in Issues of Lawful and Unlawful). Esteghlal. [In Arabic]
- Muhaqqiq Hilli, J., & Najafi, M. H. (۲۰۰۸). Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam (Jewels of Speech in Explaining the Laws of Islam). Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Muhaqqiq Karaki (۱۹۹۳). Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id (Gatherer of Purposes in Explaining the Rules). Aal al-Bayt Institute for Revival of Heritage. [In Arabic]

نسخه پیش از انتشار (آفلاین)

- Najafi, V. (۲۰۱۸). Nezam-e Eqtesadi-ye Sazman-e Rouhaniyat (The Economic System of the Clerical Organization). Makth-e Andisheh Publication. [In Persian]
- Naraqi, A. (۱۹۹٤). Mustanad al-Shi'a fi Ahkam al-Shari'a (Document of the Shia on Rulings of Sharia). Aal al-Bayt Institute for Revival of Heritage. [In Arabic]
- Naraqi, A. (۱۹۹٦). Awa'id al-Ayyam (Benefits of the Days). Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Arabic]
- Rasteh-Moghaddam, A., & Naderi, A. (۲۰۱۵). Olgou-ha-ye Ta'min-e Manabe'-e Mali wa Estekhraj-e Amoozeh-ha-yi baraye Nezam-e Amoozesh-e Aali-ye Iran (Financing Models and Extracting Lessons for Iran's Higher Education System). Quarterly Journal of Iranian Higher Education Association, ۷(۲). https://dor.isc.ac/dor/۲۰.۱۰۰۱.۱.۲۰۰۸۸۰۰.۱۳۹٤.۷.۲.٤.۸ [In Persian]
- Razi Astarabadi (۱۹۸۹). Sharh al-Shafiyah (Commentary on al-Shafiyah) (M. Abd al-Hamid, Ed.). Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Researchers, A Group of (۲۰۱۰). Farhangnameh-ye Usul-e Fiqh (Dictionary of Principles of Jurisprudence). Islamic Science and Culture Academy. [In Persian]
- Rezaei-Davani, M. (۲۰۱۰). Moqaddameh-i bar Maliyeh-ye Omoumi dar Eslam (An Introduction to Public Finance in Islam). SAMT. [In Persian]
- Sabzevari, A. (۲۰۰۳). Muhadhdhab al-Ahkam (The Refined Rulings). Dar al-Tafsir. [In Arabic]
- Sabzevari, M. B. (۲۰۰۲). Kifayat al-Ahkam (Sufficiency of Rulings). Islamic Publishing Institution. [In Arabic]
- Sadr, M. B. (۲۰۰۳). Iqtisaduna (Our Economics). Specialized Research and Studies Center of Martyr Sadr. [In Arabic]

نسخه پیش از انتشار (آنلاین اسناد)

- Shahid al-Awwal, M. (n.d.). Al-Qawa'id wa al-Fawa'id fi al-Fiqh wa al-Usul wa al-Arabiyyah (Rules and Benefits in Jurisprudence, Principles, and Arabic). Maktabat al-Mufid. [In Arabic]
- Sharif al-Murtaza (Alam al-Huda), A. (١٩٩٤). Al-Intisar (The Victory). Islamic Publishing Institution. [In Arabic]
- Sheikh Tusi, M. (١٩٨٠). Al-Nihayah (The Conclusion). Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Tabarsi, A. (١٩٨٨). Majma' al-Bayan (The Confluence of Explanation). Dar al-Ma'rifah. [In Arabic]
- Wolanin, Thomas R. (٢٠٠٠), "Financing Higher Education in the United States: An Overview", International Higher Education, No ١٩.

نسخه پیش از انتشار (نوبر استه)